



The Evolution of Attitudes Toward Environmental Behavior in Urban Public Spaces (A Systematic Review)

ARTICLE INFO

Article Type

Applied research

Authors

Anali Zargarnejad¹
Mojtaba Rafieian^{2*}

How to cite this article

Ma

URL: <http://>

ABSTRACT

Aims: Environmental behavior, as a manifestation of individuals' engagement with place, was initially examined within psychology and subsequently gained attention in environmental disciplines, architecture, landscape architecture, and urban planning. While early research primarily focused on individual buildings, attention to environmental behavior in urban public spaces emerged more prominently after 2010. This study aims to develop an understanding of how environmental behavior in urban public spaces has been conceptualized and interpreted in academic literature, clarify its characteristics, and identify mechanisms for addressing challenges.

Methods: A systematic review of 92 English-language publications indexed in Scopus and Web of Science was conducted using the PRISMA framework. Extracted data were coded and analyzed using ATLAS.ti.

Findings: The review examined target behaviors, public-space types, populations, behavior types, research objectives, and behavioral drivers. Most studies focused on environmentally responsible behaviors, with tourists representing the most frequently studied user group and urban green spaces constituting a proportion of investigated contexts. Influencing factors were categorized into four groups: individual, environmental, person-place interaction, and structural factors.

Conclusion: Within these groups, some factors, such as gender and ethnicity, were fixed and non-modifiable, whereas others, including accessibility, infrastructure, and public awareness, were manageable and amenable to intervention. This distinction highlights opportunities to influence environmental behavior through spatial-behavioral strategies. The predominance of research on environmentally responsible behaviors among tourists in urban green spaces indicates that environmental concerns remain central. Future research should therefore adopt a more holistic and integrative approach to understanding and promoting environmental behavior in urban public spaces.

Keywords: Environmental behavior, environmentally friendly behavior, urban public space, environmental psychology, place attachment.

CITATION LINKS

1- Ph.D. Candidate of urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Professor of Urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.)

*Correspondence

Address: Department of Urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email:

rafiei_m@modares.ac.ir

Article History

Received:

Accepted:

Published:

[7] Florian Urban (2011). Kenzo Tange and the Metabolist Movement ... [8] Rahimi, Leila (2018). Explanation and evaluation of effective factors... [11] Orillard, C. (2012). Gordon Cullen beyond The Architectural Review... [15] Benedikt, M. L. (1979). To take hold of space: Isovists and isovist fields... [16] Hillier, B., Leaman, A., Stansall, P., & Bedford, M. (1976). Space syntax. .. [20] Naebieh, E. & Jahanbakhsh, H. (2025). Investigating preferences for using... [21] Hauge, Å. (2007). Identity and place: A critical comparison... [22] Friedmann, J., & Hudson, B. (1974). Knowledge and action: A... [23] Restrepo-Montoya, A. (2024). Medellín: Urban planning... [24] Mondada, L., & Tekin, B. S. (2024). The intelligibility of mobile... [25] Cano-Ciborro, V., Medina, A., Burgueño, A., González-Rodríguez... [26] Yang, S., Dane, G. Z., & Arentze, T. A. (2025). An agent... [33] Stedman, R. (2002). Toward a social psychology... [34] Mohammadreza, S., Ghalambor Dezfooly, R., & Sanace, A. (2025)... [36] Shahriari, S., Shahabian, P., & Lak, A. (2024). Qualitative... [37] Yang, S., Dane, G. Z., & Arentze, T. A. (2024). Modeling pedestrians' activity... [38] Najari, K., Nylander, O., & Woxnerud, W. (2024). Social space... [39] Lai, H., Lau, S. S. Y., Su, Y., & Sun, C.-Y. (2025). Aging in...



سیر تحول نگرش به رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری (مرور سیستماتیک)

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق کاربردی

نویسندگان

آنالی زرگر نژاد^۱

مجتبی رفیعیان^{۲*}

اهداف: رفتار محیطی به عنوان نمود حضور افراد در مکان، ابتدا در روان شناسی مورد توجه قرار گرفت و سپس در علوم محیطی، معماری، معماری منظر و شهرسازی، گسترش یافت. مطالعات اولیه عمدتاً بر مقیاس بنا متمرکز بودند، در حالی که توجه به رفتار محیطی در مقیاس فضاهای عمومی شهری، پس از سال ۲۰۱۰، شکل گرفت. هدف این پژوهش، دستیابی به درکی از نحوه مفهوم پردازی و تفسیر رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری، به عنوان مقیاسی کمتر مطالعه شده، تبیین این رفتارها و شناسایی راهکارهای مواجهه با چالش ها است.

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استاد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

روش ها: تعداد ۹۲ منبع انگلیسی نمایه شده در پایگاه های Scopus و Web of Science، با استفاده از چارچوب PRISMA مرور شدند. مفاهیم با نرم افزار ATLAS.ti کدگذاری و تحلیل شدند.

یافته ها: مرور رفتارهای هدف، انواع فضاهای عمومی، گروه های مورد مطالعه، اهداف پژوهش و عوامل مؤثر بر رفتار نشان داد که بیشتر مطالعات بر رفتارهای دوستدار محیط زیست تمرکز داشته اند. گردشگران پرتکرارترین گروه بودند و فضاهای سبز شهری بخش قابل توجهی از زمینه های پژوهش را تشکیل دادند. عوامل مؤثر بر رفتار محیطی در چهار گروه عوامل فردی، محیطی، تعامل فرد-مکان و ساختاری طبقه بندی شدند.

نویسنده مسئول *

rafiei_m@modares.ac.ir

نتیجه گیری: برخی عوامل، مانند جنسیت و قومیت، ثابت و غیرقابل تغییر، و برخی دیگر، مانند دسترسی پذیری، زیرساخت و آگاهی عمومی، قابل مدیریت و مداخله تشخیص داده شدند. این تمایز، امکان تأثیرگذاری بر رفتار از طریق راهبردهای مکانی-رفتاری را نشان می دهد. غلبه مطالعات مربوط به رفتارهای دوستدار محیط زیست گردشگران در فضاهای سبز شهری بیانگر محوریت چالش های زیست محیطی است. بنابراین، اتخاذ رویکردی کل نگر و یکپارچه برای فهم و ارتقای رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری ضروری است.

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه ها: رفتار محیطی، رفتار دوستدار محیط زیست، فضای عمومی شهری، روانشناسی محیطی، دلبستگی مکانی.

ارجاع دهی

پ

URL: <http://>

مقدمه

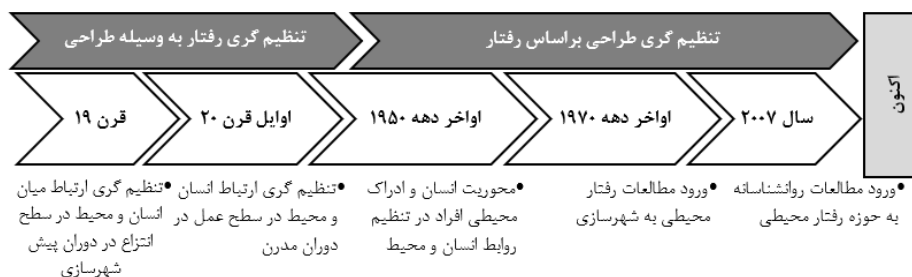
مطالعات رفتار محیطی در شهرسازی از روانشناسی محیطی سرچشمه گرفته و ناظر بر اثرات محیط های ساخته شده بر رفتار است. این حوزه مطالعاتی با هدف پر کردن شکاف میان شهرسازی و علوم رفتاری (نظیر روانشناسی) شکل گرفته است. در ابتدا رابرت گیفورد [۱]، با ارائه سرفصل های قابل بحث در روانشناسی محیطی در مقیاس بنا به بررسی های رفتاری و اثرات محیط بر رفتار انسان پرداخت سپس با رشد نگرانی های زیست محیطی و مشکلات اقلیمی رفتارهای دوست دار محیط زیست جای خود را در میان کلیدواژه های رفتاری-مکانی باز کرد. در ادامه، پژوهشگران با توجه به اقتضای موقعیت، رویکردهای متفاوتی در قبال رفتار محیطی اتخاذ نمودند. در این مطالعه مروری تلاش می گردد از میان جهت گیری پژوهشگران مختلف، نگاهی جامع تر به مطالعات رفتاری به دست آورده شود.

مبانی نظری

جایگاه رفتار محیطی در حوزه دانشی شهرسازی، نه به عنوان شاخه ای فرعی، بلکه به عنوان موضعی پیوند دهنده میان علوم مرتبط با تجربه زیسته فردی، نظیر روانشناسی با شهرسازی قابل بازشناسی می باشد. توجه به مطالعات رفتار محیطی در فضاهای شهری، فضا را از شیء طراحی شده به بستری برای تجربه زیسته تبدیل مینماید. گرچه مطالعات رفتاری در شهرسازی با تأخیر نسبت به علوم روانشناسی و رفتارشناسی، مورد توجه قرار گرفت اما از آنجا که مطالعات رفتاری در شهرسازی امتداد طبیعی چرخش پارادایمی از شهرسازی اثبات گرا به رویکردهای انسان محور است، در نهایت مطالعات مکانی-رفتاری جای خود را در شهرسازی پیدا کرد. هسته های اولیه مطالعات رفتار محیطی به دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و تلاش های افرادی نظیر راجر بارکر با ارائه

نظریه قرارگاه رفتاری [۲] و کوین لینچ [۳] با طرح مفهوم سیمای شهر بازگشته و بعدتر جایگاه مطالعات مکانی-رفتاری در مطالعات افرادی نظیر ویلیام وایت [۴]، یان گل [۵] و رابرت گیفورد [۱]، مستحکم شده و مورد اقبال نظریه پردازان قرار گرفت. با بررسی دیدگاه های صاحب نظران مطالعات شهری، پنج موج نظری زیر در حوزه روابط میان انسان و محیط شناسایی گردید. بر این اساس تا اواخر دهه ۱۹۵۰ نظریه پردازان سعی بر تنظیم گری رفتار و سایر مقولات مرتبط با انسان و محیط داشته اند و پس از این مقطع زمانی اندیشمندان مطالعات شهری، ضمن اتخاذ دیدگاه انسان محور و رویکرد ذهنی به موضوع مطالعات محیطی، استفاده کنندگان از فضاها را محور نظریات خود قرار دادند. این موج به سمتی پیش رفت که توجه به ساحت انسانها به مرزهای درونی افراد (بعد روانشناسانه) نیز کشیده شد و پیچیدگی مطالعات رفتار محیطی بیشتر گردید. نمودار ۱، نشان دهنده موج های شناسایی شده در حوزه رفتار محیطی می باشد.

در دوران پیش شهرسازی افرادی نظیر رابرت اوئن، اوکتاویا هیل، ژان بابتیست گودن و دیگر پیش شهرسازان در جهت تلاش برای رفع نیاز طبقه کارگر، با نگاهی بیش از حد ساده انگارانه با استاندارد سازی نیازها و رفتار افراد تلاش نمودند نظریاتی برای بیرون رفت از مشکلات جامعه صنعتی ارائه دهند. اوایل قرن ۲۰، افرادی نظیر ابنزر هاوارد، نظریه پردازان مکتب باهوس نظیر والتر گروپپوس و میس وندروهه، لوکوربوزیه و ساختارگرایانی نظیر کنزواتنگه و سایرین ضمن ادامه دادن نگاه نخبه گرا به انسان، تلاش های عملی در تنظیم شرایط با ارائه طرح های مختلف نمودند. [۷،۶] در آراء این افراد، رفتار صرفاً، فعلی انسانی که در بستر کالبد رخ می دهد، در نظر گرفته شده است و هیچ گاه دغدغه اصلی نبوده است.



نمودار ۱: پنج موج اصلی اتخاذ رویکرد در قبال رفتار محیطی

افراد، تلاش های بیل هیلیر [16] همکارانش در اواخر دهه ۱۹۷۰ در طراحی با استناد به نحو فضا، مطالعات زندگی و رفتارهای اجتماعی افراد در سال ۱۹۸۰ توسط ویلیام وایت، بررسی اثرات ویژگی های خیابان بر رفتار افراد در سال ۱۹۸۱ توسط دونالد اپلیارد، تلاش های ویلیام وایت [4] در سال ۱۹۸۵ در نشان دادن اثرات محیط و اقلیم بر رفتار، تأکید جان لنگ بر لزوم مطالعات رفتاری در طراحی محیط و مطالعه یان گل [17] در خصوص اثرات محیط بر حضور پذیری، رفتارهای اجتماعی و سرزندگی محیط در سال ۱۹۸۷، اشاره مجدد جان لنگ [18] به لزوم مطالعات رفتاری به عنوان تئوری اثباتی محتوایی در طراحی در سال ۱۹۹۱، تلاش کوپر مارکوس و فرانسیس [۱۹] در سال ۱۹۹۷ برای اعلام اهمیت مطالعات رفتاری برای نیل به طراحی محیطی و سایر مطالعات مشابه، مطالعات رفتاری به عنوان عنصری لازم در مداخلات شهری و طراحی جای خود را در ادبیات نظری پیدا کرد. سپس با تلاش های روانشناسانی نظیر رابرت گیفورد و به طور خاص با ارائه کتاب روانشناسی محیطی، مطالعات رفتاری جای پای محکم تری در علوم محیطی یافته و به مرور ادبیات روانشناسی با معرفی سرفصل هایی نظیر دل بستگی مکانی [۱] (Place Attachment) و سایر ابعاد روانشناسانه مکان، با شهرسازی در هم آمیخت. با در نظر گرفتن میزان تأثیر مفاهیم روانشناسی محیطی بر کیفیت محیط، ضرورت توجه به این مقوله در جهت دستیابی به یک فضای مطلوب، روندی رو به رشد دارد. روانشناسی محیطی مطالعه روانشناختی رفتار انسان به گونه ایست که به زندگی روزمره وی در مکان مرتبط باشد. گیفورد نیز روانشناسی محیطی را بررسی متقابل فرد و قرارگاه فیزیکی او، تعریف نموده است. از منظر گیفورد همانطور که محیط می تواند رفتارهای فرد و تجربه او در محیط را متحول سازد، انسان نیز اثرات خود را بر محیط باقی میگذارد و این یک رابطه متقابل است [۲۰]. با توجه به مطالب ذکر شده، در موج آخر مطالعات رفتار محیطی، تلاش های مختلفی به طور عمده، از طرف روانشناسان برای پررنگ تر نمودن مقولات محیطی در مباحث روانشناسی صورت پذیرفت و مطالعات رفتاری مشمول ابعاد پیچیده تری گردید.

توان در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ مفهوم «حس مکانی» (Sense of Place) را به عنوان، آگاهی فرد از احساسات

در این مقطع زمانی، مطالعات و مداخلات در راستای برآورد نیاز انسان ها و تنظیم گری شرایط اتفاق افتاده است. در اواخر دهه ۱۹۵۰ و مطالعاتی نظیر مطالعه پاول زوکر روی میدان به عنوان توقفگاه روانی و جایگاهی برای تعاملات اجتماعی افراد در سال ۱۹۵۹ [۸]، تأکید راب کریر [۹] بر لزوم بازسازی هویت فردی به واسطه طراحی در رد اتکا به عقل کامل و در نقد به فضاهای شهری مدرن در دهه ۱۹۶۰، محور قرار دادن ادراک فرد از فضا در اندیشه های کوین لینچ [3]، اشاره به لزوم توجه به تکثر و تفاوت های افراد در نظرات جین جیکوبز [10] در سال ۱۹۶۱، اشاره به درک انسان در حال حرکت و ارائه ایده برداشت فریم هایی از دید افراد از فضا توسط گوردون کالن [11] در سال ۱۹۶۲، اهمیت ادراک بصری در افراد و اثرات آن بر رفتار از منظر دونالد اپلیارد، کوین لینچ و جان مییر در سال ۱۹۶۵ [۱۲] و اشاره به لزوم بازیابی هویت فردی با ارجاع به محیط که به وسیله آلدو روسی [13] در سال ۱۹۶۶ مورد توجه قرار گرفت، همگی در راستای توجه به انسان و اهمیت ادراک فرد از محیط و به طور کلی اهمیت ارتباط فرد و محیط گام برداشته اند. بعدتر در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی مطالعات و پژوهش هایی در مورد مفهوم مکان بر پایه رابطه مردم با محیط شکل گرفت که بر اساس آن رفتارشناسان محیطی صرفاً راهبردهای اثبات گرایانه را به کار نمی گیرند بلکه هم به ذهنیات و هم به عینیات توجه میکنند، ضمن آنکه در مطالعات خود به دنبال جنبه های احساسی و نیز ادراکی میان مکان و انسان هستند. پژوهشگرانی همچون راپاپورت (۱۹۷۷)، مور (۱۹۸۵) و آکمن (۱۹۸۶) پژوهشی میدانی در رابطه با مطالعات رفتاری- محیطی انجام دادند. کانون این تحقیق ذهنی و عینی بود و نشان میدهند که مردم چگونه محیط ساخته شده را مشاهده و استفاده میکنند و این دو چگونه بر هم تأثیر میگذارند. رلف (۱۹۷۶)، نوربرگ شولتز (۱۹۸۳) و مطالعاتی پیرامون مفهوم مکان با رویکرد میدانی و پژوهشی صورت داده و نشان دادند که مردم چگونه محیط اطراف را مشاهده، احساس و استفاده میکنند [14]. در تلاش های افراد نظیر مطالعه مایکل بندیکت [15] در سال ۱۹۷۹ در راستای توصیف فضا و رفتارهای رخ داده در فضا از دید ناظرین با تحلیل زاویه دید

برخورداری از ساختاری مشخص تر، تمرکز بیشتر بر مقوله مکان و دارا بودن قابلیت اندازه گیری برای توضیح تجربه مکانی فرد، مناسب تر باشد. در نتیجه، مفهوم دلبستگی مکانی به عنوان پیوندی اصیل، قدرتمند و مؤثر میان فرد و مکان [28,29,31,32,33] و به مثابه جامعترین مفهوم در برگرفته کیفیت پیوند انسان و مکان، عنصر اساسی ارتقای کیفیت زندگی افراد [34] و بر اساس برخی پژوهش ها مهمترین پیشران برای به وجود آوردن رفتارهای حفاظت از محیط در افراد [35]، در حال حاضر توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه رفتار محیطی را به خود جلب نموده است. تا آنجا که، سیاستگذاران شهری سعی در بازتولید فضایی مبتنی بر اشکال مختلف دلبستگی مکانی از طریق بکارگیری عناصر طبیعی و مصنوع، نموده اند [36].

۳. روش شناسی

این پژوهش بر آن است که با استناد به روش مرور سیستماتیک، مطالعات مختلف انجام شده در خصوص مسئله رفتار محیطی در فضاهای عمومی توصیف و تحلیل نموده و با ترکیب نتایج به فهمی بهتر از رویکرد افراد در خصوص رفتار محیطی دست یابد. بدین منظور چهارچوب پریزما برای مرور نظام مند منابع، مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به چهارچوب پریزما مراحل به شرح نمودار ۲، در این پژوهش طی گردید:

ابتدا با جستجوی کلید واژه ["Urban plan*" OR "place" OR "public space" OR "public realm" OR "Urban stud*"] AND ["environmental behavior" OR "environmental behaviour"] بین عناوین، چکیده و کلید واژه های پایگاه های داده ای Scopus و web of science جستجو گردید که تا تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵، تعداد ۶۸۷ عنوان مدرک در پایگاه Scopus و ۲۲۸۵ عنوان مدرک در پایگاه web of science باز یابی شد. در مرحله دوم منابع غیر انگلیسی، مدارک با موضوعات نا مرتبط (نظیر شیمی، داروسازی و ...) و مدارک مندرج در منابعی نظیر اسناد خاکستری، مقالات کنفرانسی، کتابها حذف گردیدند که تعداد منابع به ۴۷۳ مدرک از پایگاه داده Scopus ۵۷۹ مدرک از پایگاه web of science کاهش یافت.

خود به یک مکان، معرفی نمود [21]. به دیگر سخن، حس مکانی به مجموعه احساسات و عواطف فرد در خصوص مکان اطلاق می شود که در طول زمان و در پی ارتباط با مکان و سایر فرآیندهای عاطفی، شناختی و رفتاری، شکل می گیرد. این مفهوم کلیتی از حس فرد به مکان را ارائه می دهد. در ادامه ی تلاش های دیسیپلین روانشناسی در تعریف مقولات محیطی می توان به طرح مفهوم «هویت مکانی» (Place Identity) توسط پروشانسکی در سال ۱۹۷۸ به عنوان بخشی از هویت فردی [28] و ارتباطی شناختی-عاطفی بین فرد و مکان اشاره نمود. اما با توجه به تعدد عوامل اثرگذار بر هویت فردی، من جمله فرهنگ، باورها، خاطرات، جنسیت، مکان و ... مفهوم هویت مکانی نمی تواند معرف بهینه ای از کیفیت پیوند میان فرد و مکان باشد [29]. در تایید این موضوع می توان به مطالعه برک ول در سال ۱۹۸۶ اشاره نمود، وی در نظریه فرآیند هویت یابی، مکان را بخشی از زیرمجموعه های هویتی می داند. (نه یک زیرمجموعه کامل) [30]. به این دلیل وی، طرح نظریه جدا گانه برای پوشش اثر مکان در شکل گیری هویت را امکان پذیر نمی داند. ایراد دوم استناد به مفهوم هویت مکانی در مطالعات مرتبط با رفتار محیطی، فقدان ابزارهای اندازه گیری هویت مکانی می باشد که امکان کاربست مفهوم هویت مکانی در چهارچوب نظری بهبود رفتار محیطی را سلب می نماید.

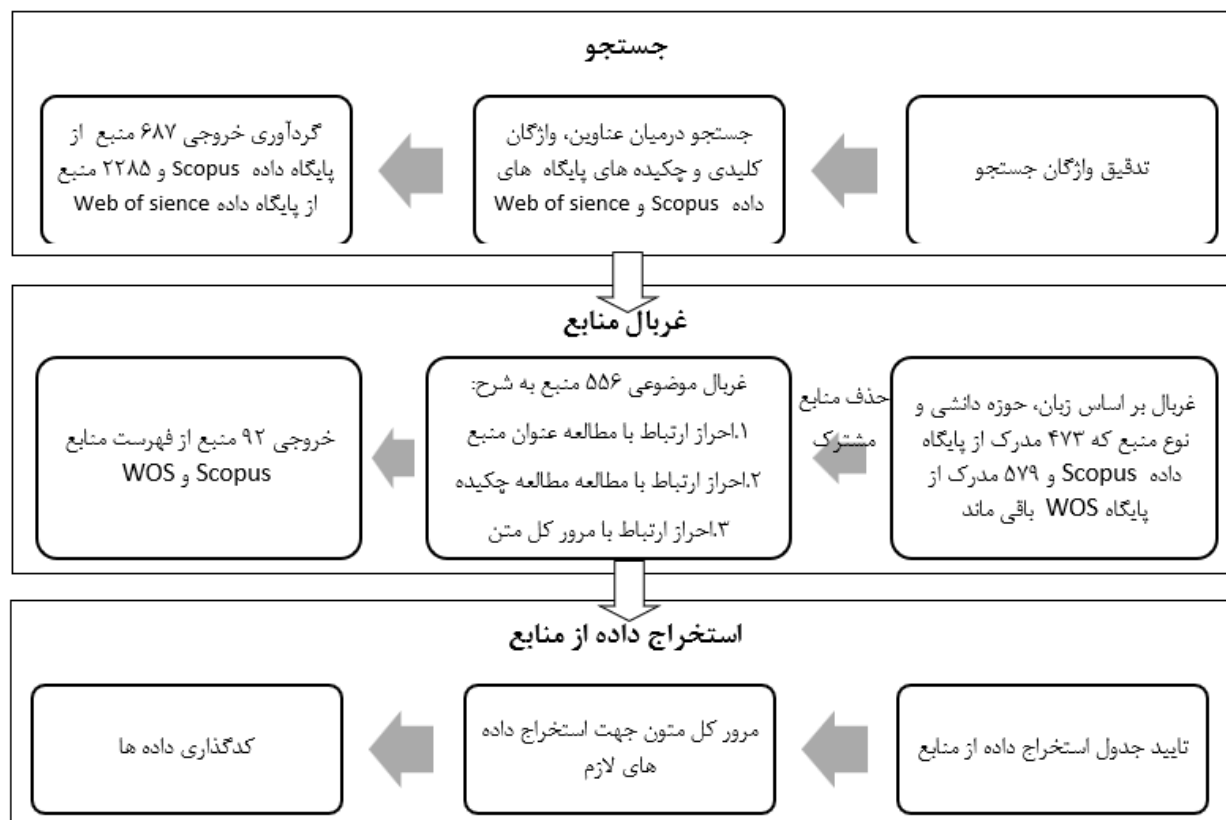
حس مکانی، مفهومی عمومی و وسیع است که دلبستگی مکانی به عنوان پیوندی عمیق و مثبت میان فرد و مکان، مصداقی مثبت از حس مکانی است و هویت مکانی نیز مقوله ای روانشناختیست که از حس فرد به مکان اثر می پذیرد. اما از آنجا که عواملی فراتر از احساسات فرد به مکان در شکل گیری هویت مکانی دخیل است، نمی توان آن را زیر مجموعه حس مکانی دانست. با این وجود می توان ادعا نمود که فرآیندهای عاطفی و شناختی در شکل گیری هر دو نقش دارد، در حس مکانی، احساسات و عواطف فرد در نسبت با مکان موضوع مطالعه قرار دارد، در حالی که در هویت مکانی روی نقش مکان در شناخت فرد از خود، تمرکز می گردد. لذا، با توجه به کلیت بیش از حد مفهوم حس مکانی و توجه به اینکه، از طرفی هویت مکانی مفهومیست که در دلبستگی مکانی مستتر است [29] و از سویی، دلبستگی مکانی، با وجود

در ادامه برای ایجاد امکان تحلیل در خصوص محتویات مقالات، جدولی تحت عنوان، جدول تلخیص داده تنظیم گردیده و ۸ ردیف داده حاوی مقادیر کمی نظیر سال انتشار و مفاهیم کیفی از مدارک تلخیص شد که در ادامه مفاهیم کیفی که به وسیله نرم افزار AtlasTi کد گذاری محوری شده و مورد تحلیل قرار گرفتند.

پس از حذف مدارک مشترک بین دو پایگاه داده، ۵۵۶ مدرک باقی ماند. در مرحله بعدی طی مرور عناوین و چکیده ها، تعداد مدارک به ۳۱۲ مورد تقلیل یافت. لازم به ذکر است که در این مرحله مطالعات رفتاری در مقیاس ها و نمونه های موردی غیرشهری نیز (مانند مطالعات رفتاری در منازل، هتل ها، مدارس، اقیانوس ها، کارخانجات و ...) در مرحله نهایی، پس از مرور کل متن مدارک، تعداد مدارک به ۹۲ مورد رسید.



نمودار ۲: مراحل مرور سیستماتیک بر اساس چهارچوب پریزما



نمودار ۳: روند غربال منابع و آماده سازی داده ها جهت تحلیل

کل منابع مرور شده را شامل می گردد و گونه های دیگر مورد مطالعه سهم کمتری از مطالعات را به خود اختصاص داده اند. این موضوع بیانگر وجود دغدغه ویژه در خصوص فضاهای سبز شهری می باشد. جهت تحلیل تغییرات در روند مطالعات، سه بازه زمانی قابل شناساییست، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ تعداد مطالعات کم و پراکنده با تمرکز بر فضاهای سبز، دوره مطالعات محدود و تک کانونی می باشد. دوره دوم از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، علی رغم افزایش حجم مطالعات، شاهد حفظ سلطه فضاهای سبز شهری هستیم. در این دوره تعداد محدودی از مطالعات با محوریت معابر شهری و فضاهای فرهنگی-تاریخی نیز به چشم میخورد که در پی آن دوره سوم از سال ۲۰۲۳ با ایجاد جهش معنادار در منابعی که تنوع بیشتری از فضاهای عمومی را تحت مطالعه قرار داده اند، دیده می شود. ادبیات موجود علی الخصوص در دوره های اول و دوم رفتار محیطی را در فضاهایی با بار طبیعی، اکولوژیک و زیبایی شناسانه مطالعه نموده است. پژوهشگران به سراغ مکان هایی رفته اند که انتظار رفتار مثبت و منطبق با هنجار در آنها

۴. یافته ها و بحث

۱.۴. توزیع تاریخی منابع مروری در خصوص رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری:

نمودار زیر نشان دهنده رشد تعداد منابع مورد بررسی در هر یک از انواع فضاهای عمومی شهری به صورت سالانه می باشد. در این نمودار، گروه اول به منابعی اشاره دارند که مطالعه فضای عمومی شهری، بدون ارجاع به گونه شناسی این فضاها، مورد بررسی قرار گرفته است. در گروه دوم فضاهای عمومی سبز شهری قرار دارند. گروه سوم شامل فضاهای عمومی دارای اهمیت تاریخی- فرهنگی می گردد. گروه چهارم معابر را در خود جای داده و در نهایت، گروه پنجم از منابع مرور شده، فضاهای مقصد گردشگری را مطالعه می نماید.

بر اساس نمودار ۴، به طور کلی مطالعات رفتاری-مکانی در فضاهای عمومی در سال ۲۰۱۰، با تکیه بر فضاهای سبز شهری آغاز گردیده و در میان منابع، بالاترین فراوانی مربوط به فضاهای سبز عمومی شهری بوده که حدود ۵۷ درصد از

در گونه های فضایی مختلف فراوانی گروه های افراد مورد مطالعه یکسان نیست، می توان به اهمیت توأمان هر دو مؤلفه در مطالعه پی برد.

۳.۴. رفتارهای هدف مطالعه در گونه های مختلف فضای عمومی:

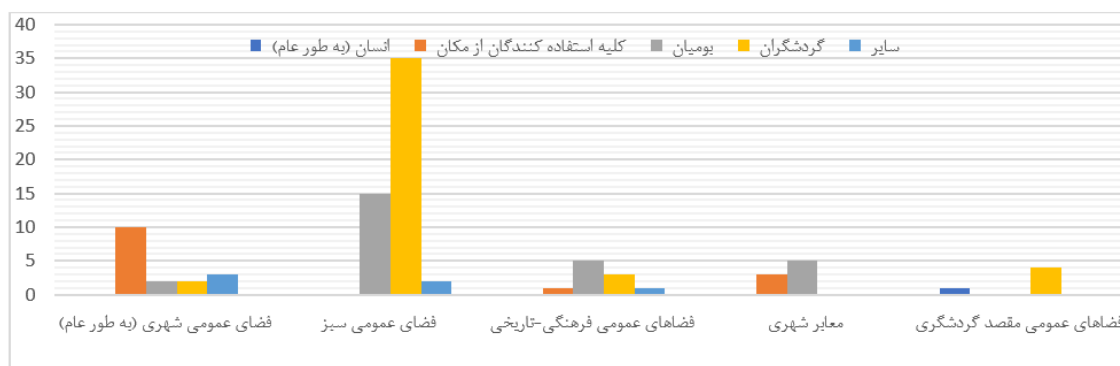
نمودار ۶، توزیع رفتارهای هدف مطالعه را بر اساس گونه های فضاهای عمومی شهری در میان منابع مرور شده نشان می دهد.

داده های نمودار ۶ نمایانگر حساسیت ویژه پژوهشگران به مطالعه رفتارهای دوستدار محیط زیست در فضاهای سبز شهری است. این موضوع نشان می دهد مشکلات محیط زیست و نقش رفتارهای انسانی در تشدید این معضلات، محرک پرداختن پژوهشگران به این مطالعات رفتاری بوده است. این تمرکز، از یک سو نشان دهنده اهمیت بحرانهای زیست محیطی در جهت دهی به ادبیات علمی است، و از سوی دیگر، حاکی از نوعی تقلیل مفهوم رفتار محیطی به کنش های اکولوژیک است. در نتیجه، ابعاد اجتماعی، تعاملی، هویتی و ساختاری رفتار در فضای عمومی شهری کمتر به صورت یکپارچه مورد توجه قرار گرفته اند. از سویی دیگر نمودار ۶ نشان دهنده اقلیت مطالعات متمرکز بر رفتارهای ترافیکی و اجتماعی در تمامی گونه های فضای عمومیست. این در حالیست که در حال حاضر موضوع حمل و نقل و رفتارهای مرتبط با آن به دلیل ارتباط با رفاه عمومی، موضوع انرژی و آلودگی محیط زیست از اهمیت بالایی برخوردار بوده و رفتارهای اجتماعی نیز با توجه به الگوی زندگی کنونی از موضوعات مناقشه بر انگیز و پر چالش است.

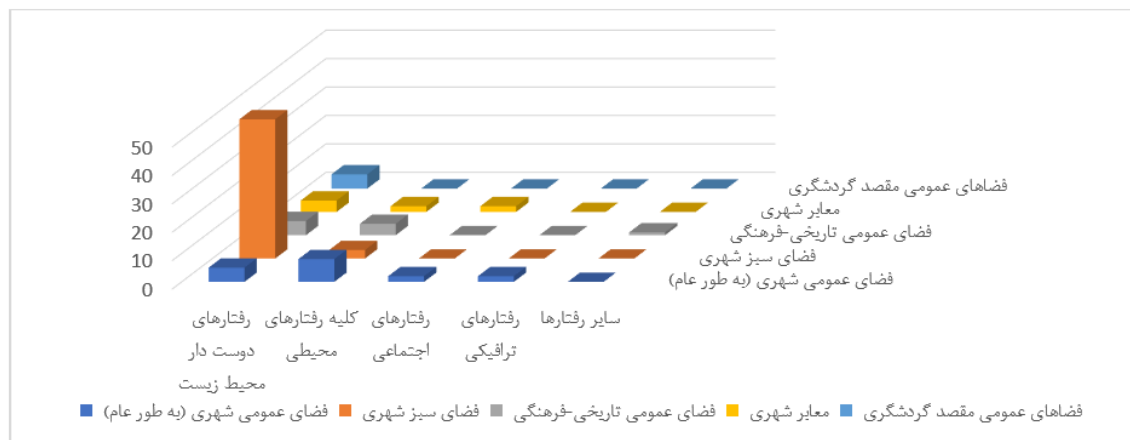
منطقی تر، قابل مشاهده تر و قابل کنترل تر به نظر میرسد. این موضوع نشان دهنده یک سوگیری پژوهشی است و مطالعه رفتار محیطی در فضاهای متراکم تر، روزمره تر، پرتنش تر و تعارض آمیز تر نظیر معابر و میادین را مغفول داشته است. بدین معنا که مطالعات بر فضاهای نسبتاً مطلوب و قابل کنترل متمرکز بوده و فضاهای پیچیده تر، مسئله مند تر و تعارض آمیز را مغفول داشته اند. در سال ۲۰۲۳ برای اولین بار رفتار محیطی در فضای عمومی شهری بدون نگاه اختصاصی به کارکرد فضا مورد مطالعه قرار گرفته است و به سرعت جای خود را در میان مطالعات مشابه باز نمود، از طرف دیگر، ظهور فضاهای مقصد گردشگری در دوره سوم نشان دهنده شروع نگاه اجتماعی-فضایی و کل نگر به جای دیدگاه اکولوژیک پیشین است که نشان دهنده پیچیده تر شدن نگاه پژوهشگران به رفتار محیطیست.

۲.۴. افراد هدف مطالعه بر حسب گونه فضای عمومی مورد مطالعه در منابع مروری:

نمودار ۵ نمایانگر نگاه انسانی منابع به مطالعات رفتاری در گونه های مختلف فضای عمومی شهری می باشد. با بررسی داده های نمودار ۵، می توان دریافت عمده ترین دغدغه پژوهشگران در منابع مرور شده، رفتار گردشگران و متعاقب آن رفتار بومیان در فضاهای عمومی سبز شهری، بوده است. تفاوت این دو گروه را می توان در نوع پیوند آنها با فضای عمومی و الگوی بهره برداری آنها از فضا جستجو کرد. این الگوها می توانند در طیفی از بهره برداری مصرفی، بهره برداری تفریحی، استفاده تجربی تا تعلق مکانی متغیر باشند. این موضوع نشان دهنده اهمیت الگوی بهره برداری از فضا بر انتخاب افراد مورد مطالعه است. از طرف دیگر با توجه به اینکه



نمودار ۵: فراوانی هر یک از گروه های افراد هدف پژوهش بر حسب گونه های فضای عمومی شهری در منابع مرور شده



نمودار ۶: توزیع رفتارهای هدف مطالعه بر حسب گونه های فضای عمومی در میان منابع

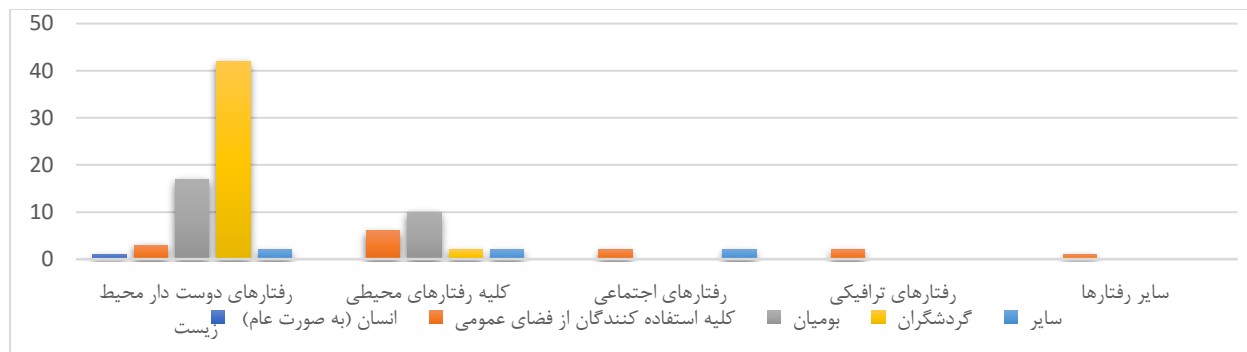
فضاهای عمومی شهری، تصادفی یا پراکنده نبوده، بلکه تابع نوع خاصی از مسئله مندی پژوهشگران در مواجهه با فضاهای عمومی است. غلبه مطالعات بر رفتار گردشگران و پس از آن کاربران بومی، به ویژه در فضاهای سبز شهری، بیانگر آن است که پژوهشگران عمدتاً فضاهایی را به عنوان میدان مطالعه برگزیده اند که در آن ها پیوند فرد و مکان یا در حال شکل گیری است یا به واسطه تجربه های کوتاه مدت و موقت، ناپایدار تلقی می شود. این غلبه مطالعه رفتار گردشگران و کاربران موقت فضا نشان می دهد که پیوند انسان و مکان در ادبیات موجود، عمدتاً در سطوح سطحی تا میانی این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است؛ یعنی پیوندهایی که بر تجربه کوتاه مدت، ادراک محیطی و کنش های موقعیتی استوارند. در چنین بستری، رفتارهای دوستدار محیط زیست به عنوان بارزترین نوع رفتار مورد مطالعه ظاهر میشوند.

از سوی دیگر، تمرکز بالای مطالعات بر رفتارهای دوستدار محیط زیست، به ویژه در فضاهای سبز شهری، نشان می دهد که نوع رفتار مورد مطالعه به طور مستقیم تحت تأثیر گونه فضای عمومی انتخاب شده قرار دارد. فضاهای سبز، به دلیل برجستگی مؤلفه های طبیعی و اکولوژیک، بستر مناسبی برای مطالعه رفتارهایی فراهم کرده اند که به طور مستقیم با حفاظت محیط زیست، مصرف منابع و مسئولیت پذیری زیست محیطی مرتبط هستند. در نتیجه، نوع فضا نه تنها ظرف وقوع رفتار، بلکه یکی از عوامل جهت دهنده به انتخاب نوع رفتار هدف مطالعه بوده است.

این موضوع نشان می دهد تقلیل رفتارهای محیطی مورد مطالعه به مطالعه رفتارهای دوستدار محیط زیست علاوه بر ایجاد خلاء پژوهشی، فرصت بهبود بخش های مهمی از مناقشات شهری را نیز مغفول داشته است. برای فهم بهتر رویکرد پژوهشگران به مطالعه رفتار، در میان منابع متمرکز بر رفتارهای متفاوت، گروه های انسانی هدف پژوهش در منابع مرور شده نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آماری در نمودار ۷ قابل مشاهده است.

بر اساس داده های نمودار ۷ به نظر می رسد، رفتارهای دوستدار محیط زیست، در صدر رفتارهای بررسی شده گردشگران قرار دارد. با بررسی توأمان افراد هدف مطالعه، گونه فضای عمومی و رفتار محیطی مورد مطالعه در قالب نمودار ۸، می توان دغدغه پژوهشی منابع مرور شده را واکشافی نمود. تکیه منابع مرور شده بر مطالعه رفتار دوستدار محیط زیست، به خصوص در فضاهای سبز شهری چه در مورد گردشگران و چه در مورد افراد بومی نشان دهنده وجود دغدغه های زیست محیطی است. با توجه به مرور منابع و تحلیل داده ها در قالب جدول ۱، ترتیب سه مسئله پژوهش غالب در میان منابع مرور شده، با محور قرار دادن سه وجه افراد مورد مطالعه، گونه فضای عمومی مورد بررسی و نوع رفتار مورد مطالعه به شرح نمودار ۸ است:

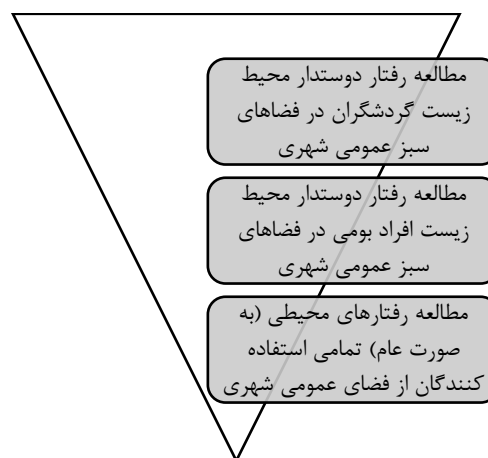
تحلیل هم زمان افراد هدف پژوهش، گونه فضای عمومی مورد مطالعه و نوع رفتار محیطی بررسی شده بر اساس نمودار شماره ۸، نشان میدهد که تمرکز مطالعات رفتار محیطی در



نمودار ۷: فراوانی رفتارهای هدف مطالعه بر حسب گروه های انسانی هدف مطالعه در منابع مرور شده

سایر	گردشگران	بومیان	همه استفاده کنندگان فضا	انسان (به طور عام)	
کلید رفتارهای محیطی: ۱ رفتارهای اجتماعی: ۲	رفتار دوستدار محیط زیست: ۲	رفتار دوستدار محیط زیست: ۱ کلید رفتارهای محیطی: ۱	رفتار دوستدار محیط زیست: ۲ کلید رفتارهای محیطی: ۶ رفتارهای ترافیکی: ۲		فضای عمومی (به طور عام)
رفتار دوستدار محیط زیست: ۱ کلید رفتارهای محیطی: ۱	رفتار دوستدار محیط زیست: ۳۵	رفتار دوستدار محیط زیست: ۱۳ کلید رفتارهای محیطی: ۲			فضای سبز شهری
رفتار دوستدار محیط زیست: ۱	رفتار دوستدار محیط زیست: ۱ کلید رفتارهای محیطی: ۲	رفتار دوستدار محیط زیست: ۳ کلید رفتارهای محیطی: ۲	سایر رفتارها: ۱		فضای عمومی فرهنگی-تاریخی
		رفتار دوستدار محیط زیست: ۳ کلید رفتارهای محیطی: ۲	رفتار دوستدار محیط زیست: ۱ رفتارهای اجتماعی: ۲		معايير شهری
	رفتار دوستدار محیط زیست: ۴			رفتار دوستدار محیط زیست: ۱	فضای عمومی مقصد گردشگری

جدول ۱: بررسی توانان افراد هدف مطالعه، گونه فضای عمومی مورد مطالعه و رفتار محیطی مورد مطالعه



نمودار ۸: ترتیب فراوانی مطالعات بر اساس سه مؤلفه افراد مورد مطالعه، گونه فضای عمومی مورد بررسی و نوع رفتار مورد مطالعه

بر رفتار، ۲ منبع به مطالعه نتایج رفتارهای محیطی و ۳ منبع به توصیف رفتاری-مکانی فضای شهری پرداخته اند. از آنجا که تبیین عوامل اثرگذار بر رفتار محیطی در فضاهای عمومی

۴.۴. هدف اصلی تحقیق در منابع مرور شده: از میان ۹۲ منبع مرور شده که به مطالعه رفتار در فضاهای عمومی شهری پرداخته اند، ۸۷ منبع به تبیین عوامل اثرگذار

نمودار ۱۱ با عنوان مدل مفهومی اثرگذاری بر شکل‌گیری رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری نشان می‌دهد که رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری نه حاصل اثرگذاری مستقیم یک عامل منفرد، بلکه برآیند هم‌زمان چهار گروه عامل متمایز با میزانهای متفاوتی از اثرگذاری است. عوامل مرتبط با پیوند میان فرد و محیط، عوامل فردی، محیطی و ساختاری هر یک در سطحی متفاوت، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و زمینه‌های بروز رفتار را شکل می‌دهند. در این میان بر اساس مرور منابع، فاکتورهای مرتبط با پیوند انسان و مکان؛ بیشترین فراوانی را در میان عوامل داشته و در صورت ترکیب نتایج می‌توان فرض نمود بیشترین اثرگذاری را بر رفتار محیطی، از طریق مصادیق مختلف پیوند میان انسان و محیط نظیر احساس، تجربه، ادراک و معنابخشی فرد به فضای عمومی می‌توان ایجاد کرد. بر اساس ماهیت تغییرپذیری عوامل مختلف مستخرج در خلال منابع، می‌توان پی برد تغییرپذیری رفتارهای محیطی در فضاهای عمومی شهری می‌تواند به واسطه تمرکز بر عوامل تغییرپذیر اتفاق بیفتد. در این میان عوامل فردی، محیطی و ساختاری در دو زیرمقوله عوامل ثابت و عوامل تغییر پذیر قابل بازیابی می‌باشند این در حالیست که عوامل مرتبط با پیوند میان انسان و محیط به دلیل اثرپذیری مستمر از عوامل فردی و محیطی و ماهیت پویایی دائمی آنها قابل تغییر به نظر می‌رسند. به علاوه پایداری و ثبات الگوی رفتارهای محیطی در فضای عمومی شهری در گرو کیفیت عوامل یاد شده خواهد بود. بر این اساس، رفتار محیطی به‌مثابه پدیده‌ای پویا، زمینه‌مند و مقیاس‌مند قابل فهم می‌شود که تنها از مسیر تحلیل هم‌زمان عوامل فردی، محیطی، ساختاری و عوامل مرتبط با پیوند میان انسان و محیط، قابل تبیین است.

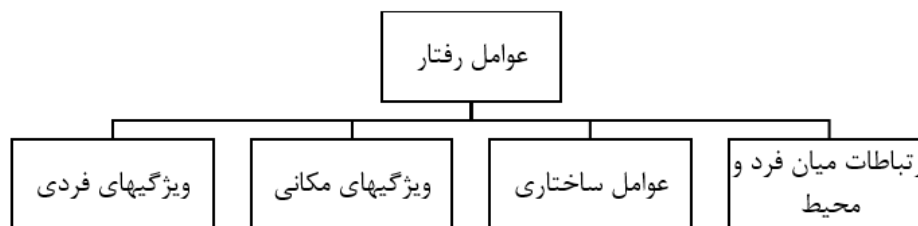
هدف اصلی عمده مطالعات بررسی شده بوده، این موضوع نشان می‌دهد اتفاق نظر بر این است که رفتار تحت تأثیر عواملی شکل می‌گیرد. وجود پیشران‌هایی برای شکل‌دهی رفتار محیطی و اثرگذاری بر آن در غالب منابع، ظرفیت‌های موجود برای بهبود و اصلاح رفتار را برای ایجاد امکان بروز رفتارهای مطلوب تر در فضاهای عمومی شهری را نشان دهد. در ادامه با توجه به رویکرد غالب مقالات در راستای تبیین شکل‌گیری رفتار محیطی در فضاهای عمومی به تحلیل عوامل اثرگذار بر رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری بر اساس مرور منابع، خواهیم پرداخت.

۵.۴. عوامل اثرگذار بر رفتارهای محیطی در فضاهای عمومی:

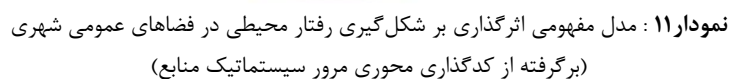
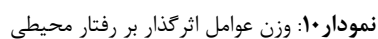
برای تبیین رفتارهای محیطی، در میان منابعی که به بررسی اثرات عوامل مختلف بر رفتار پرداخته‌اند، پس از کدگذاری عوامل گردآوری شده در حین مرور، این عوامل در چهار مقوله اصلی شامل، عوامل فردی، عوامل محیطی، عوامل مرتبط با ارتباط فرد و محیط و عوامل ساختاری شناسایی گردیدند. نمودار ۹، نشان دهنده این مقولات اثرگذار بر شکل‌گیری رفتار می‌باشند.

در نمودار ۱۰، با کمک نرم افزار YEd Graph editor وزن مقولات و عوامل مستخرج از منابع مروری به عنوان زیر مجموعه هر مقوله بر اساس دسته بندی فوق، نمایش داده شده است.

با مرور عوامل اثرگذار بر رفتار محیطی در فضای عمومی و استناد به ماهیت عوامل از نظر تغییرپذیری و فراوانی هر یک از عوامل مؤثر بر رفتار محیطی مدل مفهومی در نمودار ۱۱، اثرگذاری بر شکل‌گیری رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری، مشاهده می‌گردد.



نمودار ۹: مقولات اثرگذار بر شکل‌گیری رفتار محیطی (برگرفته از مرور منابع)



شده است و میدان، خیابان، و فضاهای روزمره شهری سهم نظری بسیار کمتری دارند. ادبیات موجود به‌طور ضمنی این فرض را پذیرفته که «طبیعت» بستر اصلی اخلاق محیطی است. این بدان معناست که ادبیات رفتار محیطی دچار «سوگیری سبز» است.

۲. غلبه گردشگران: رفتار موقعیتی به‌جای رفتار ساختاری

غلبه گردشگران و کاربران موقت مکان به عنوان گروه هدف مطالعه، تمرکز تحقیق را بر رفتارهای کوتاه مدت و عدم اعتنای کافی به پیوندهای عمیق فرد با مکان را نشان می‌دهد. از طرفی رفتار گردشگران به لحاظ ماهیتی کنشی لحظه‌ای بوده ریشه در عادات تثبیت شده نداشته و نمی‌توان این مطالعات را بررسی الگوهای رفتاری پایدار فردی قلمداد نمود. در این رویکرد، پیوند انسان و مکان عمدتاً در سطوح اولیه تجربه و ادراک آنی بررسی شده و کمتر به شکل‌گیری الگوهای رفتاری تثبیت‌شده در میان ساکنان دائمی و کاربران مستمر پرداخته شده است.

۳. تقلیل مفهومی رفتار به واسطه تمرکز بر رفتارهای دوستدار محیط زیست

ادبیات موجود رفتار محیطی را به سطح اخلاق زیست‌محیطی تقلیل داده و ابعاد اجتماعی و فضایی رفتار، نظیر نحوه استفاده از فضا، برقراری تعاملات اجتماعی، مشارکت در نگهداشت مکان و مقاومت در برابر بی‌کیفیتی مکان را کمتر نظریه‌پردازی کرده است.

۴. غلبه مطالعات تبیینی

غلبه منابع متمرکز بر شناسایی پیش‌ران‌های رفتار نشان می‌دهد ادبیات رفتار محیطی، هنوز در مرحله شناسایی متغیرها، قرار داشته و تمرکز بر متغیرهای مجزا بیشتر از سازوکارهای تعاملی بوده است. از طرفی با توجه به وزن بالای عوامل مرتبط با ارتباط میان فرد و محیط در شکل‌گیری رفتار، می‌توان دریافت که به زعم منابع مرور شده، «عمق و کیفیت ارتباط فرد و مکان مهم است»، اما کمتر می‌گوید «چگونه تعلق به رفتار پایدار تبدیل می‌شود». ادبیات اهمیت پیوند انسان و مکان را می‌پذیرد، اما سازوکار تبدیل آن به رفتار پایدار را تبیین نکرده است. به بیان دیگر، ادبیات موجود بیشتر به

۵. نتیجه‌گیری

با ایجاد نگاه انسان محور نظریه پردازان و اهمیت یافتن تجربه زیسته انسان‌ها در فضاهای عمومی شهر، رفتار محیطی جای خود را در مطالعات در خصوص فضاهای عمومی شهری باز نمود و تلاش‌های افرادی نظیر رابرت گیفورد، پیوندهای لازم را برای ورود مطالعات رفتاری-مکانی به عرصه شهر، ایجاد کرد. مطالعه مروری حاضر با بررسی منابع با موضوع مطالعات رفتاری در مقیاس فضاهای عمومی شهری، نشان داد غالب منابع، با هدف بررسی عوامل مختلف بر رفتارهای محیطی بر اثرپذیری رفتار از عوامل مختلف اتفاق نظر دارند. این مطالعه مروری در ابتدا نشان داد دغدغه پژوهشگران در ارتباط با افراد مورد تحقیق، نوع فضای عمومی مورد تحقیق و رفتار مورد مطالعه به سوی بررسی رفتار دوست‌دار محیط زیست گردشگران در فضاهای سبز شهری منعطف بوده است. در ادامه با کدگذاری عوامل اثرگذار بر رفتار محیطی در فضاهای عمومی از منظر منابع مرور شده، می‌توان دریافت، رفتار محیطی در فضای عمومی شهری نه حاصل اثر مستقیم عوامل منفرد، بلکه برآیند عوامل فردی، محیطی، ساختاری و فعال شدن پیوند انسان و مکان در نتیجه هم‌نشینی عوامل فردی و محیطی است به علاوه با اذعان به ماهیت ثبات یا تغییرپذیری عوامل یاد شده، پایداری یا تغییر رفتارهای محیطی را می‌توان در گرو اثرگذاری عوامل تغییرپذیر در نظر گرفت. با معرفی امکان اصلاح رفتار محیطی در فضای عمومی از طریق اثرگذاری بر پیش‌ران‌های قابل تغییر رفتار، لزوم مطالعات آتی با نگاه هنجاری به رفتار محیطی در فضاهای عمومی را نشان داد.

بازخوانی انتقادی الگوهای غالب در ادبیات رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری: تحلیل نظام‌مند منابع مرور شده نشان می‌دهد که ادبیات رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری، علی‌رغم گسترش کمی، با چهار الگوی مسلط و در عین حال محدودکننده مواجه است.

۱. غلبه فضاهای سبز: فقط یک فراوانی نیست، یک سوگیری مفهومی است

غلبه فضاهای سبز شهری در مطالعات مرور شده نشان‌دهنده یک سوگیری مفهومیست. فضای عمومی در غالب ادبیات مرور شده پیرامون رفتار محیطی، عملاً با «طبیعت شهری» هم‌معنا

صرفه‌جویی در مصرف یا رعایت هنجارهای حفاظتی. در این خوانش، مسئولیت پایداری بیش از آنکه در ساختارهای نهادی و الگوهای تولید و مصرف شهری جستجو شود، به سطح انتخاب‌های فردی منتقل شده است. این جابه‌جایی، اگرچه امکان مداخله رفتاری را فراهم می‌کند، اما خطر ساده‌سازی مسئله را نیز در پی دارد. رفتار محیطی در فضای عمومی، تنها کنشی فردی نیست، بلکه در بستر روابط اجتماعی، هنجارهای جمعی و ساختارهای قدرت شکل می‌گیرد. از این منظر، پیوند رفتار محیطی با نظریه کنش اجتماعی اهمیت می‌یابد [19]. در چارچوب نظریه کنش اجتماعی، رفتار نه صرفاً واکنش به پیامد مهمی برای مطالعات رفتاری دارد؛ تغییر رفتار الزاماً از طریق مداخله مستقیم در یک متغیر منفرد حاصل نمی‌شود. بهبود کالبدی بدون تقویت تجربه مثبت ممکن است به رفتار پایدار منجر نشود؛ آموزش بدون ارتقای کیفیت محیطی ممکن است بی‌اثر بماند؛ و سیاست‌های ساختاری بدون فعال شدن پیوند عاطفی با مکان، در سطح هنجار باقی بمانند. این فهم، امکان عبور از مدل‌های خطی علت-معلولی به سوی مدل‌های پویا و چرخه‌ای را فراهم می‌آورد. چنین بازتعریفی می‌تواند بنیانی نظری برای توسعه مدل‌های مفهومی یکپارچه و فرآیندمحور فراهم آورد و مطالعات آینده را به سوی تحلیل پایداری رفتاری در بلندمدت هدایت کند.

در این رویکرد تعریف رفتار محیطی، به لحاظ ماهیتی، هم‌زمان فردی، محیطی، ساختاری و مبتنی بر پیوند میان فرد و مکان، بوده و از نظر فرآیندی، بخشی از پیوستار ناشی از ارتباط فرد با محیط می‌باشد. پیوستاری که به واسطه پایداری رفتار ایجاد شده و در خلال آن پیوند دو سویه انسان و محیط در حال تکوین خواهد بود. و پایداری رفتاری حاصل تثبیت یک چرخه بازخوردی است، نه صرفاً افزایش فراوانی یک کنش خاص.

تحلیل اثرات منفرد متغیرها پرداخته و کمتر به سازوکارهای غیرخطی و بازخوردی شکل‌گیری رفتار توجه کرده است.

جمع بندی:

مرور منابع نشان داد که رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری عمدتاً در چارچوب بحران‌های زیست‌محیطی صورت‌بندی شده است. این غلبه، ریشه در گفتمان پایداری شهری دارد؛ گفتمانی که از دهه‌های پایانی قرن بیستم به یکی از پارادایم‌های مسلط برنامه‌ریزی شهری تبدیل شد. با این حال، در بسیاری از مطالعات، پایداری به سطح رفتارهای فردی قابل مشاهده تقلیل یافته است؛ مانند کاهش زباله، محرک محیطی، بلکه کنشی معنادار در بستر تعاملات اجتماعی تلقی می‌شود. افراد در فضای عمومی تنها به محیط پاسخ نمی‌دهند، بلکه در حال خواندن، تفسیر و بازتعریف آن هستند.

این یافته‌ها ضرورت بازتعریف رفتار محیطی در چارچوبی یکپارچه و فرآیندمحور را آشکار می‌سازد؛ در چنین رویکردی می‌توان به فهمی از چگونگی تبدیل رفتار از یک کنش موقعیتی به یک الگوی پایدار، رسید. یافته‌های این مطالعه مروری، ضرورت حرکت از مطالعات توصیفی و تبیینی صرف به سوی چارچوب‌های هنجاری و مدل‌های مفهومی یکپارچه را آشکار می‌سازد؛ چارچوب‌هایی که بتوانند با تمرکز بر عوامل تغییرپذیر، زمینه شکل‌گیری الگوهای پایدار رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری را فراهم آورند. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود مفهوم رفتار محیطی در فضاهای عمومی شهری، به‌مثابه «الگوی تکرارشونده در محیط» بازتعریف شود. چنین بازتعریفی می‌تواند چارچوبی نظری برای گذار از مطالعات توصیفی پراکنده به مدل‌های یکپارچه شکل‌گیری رفتار فراهم آورد و مسیر مطالعات آینده را به سوی فهم پویایی‌های بلندمدت رفتار در فضاهای عمومی هدایت کند. چنین نگاهی

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان «تدوین مدل مفهومی شکل گیری رفتار پایدار محیطی در فضاهای عمومی شهری (مورد پژوهی شهر کرج)» است که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

تأییدیه های اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله: نویسنده اول شامل گردآوری مطالب، تهیه محتوای اولیه و تدوین مقاله برابر با ۵۰ درصد، نویسنده دوم مقاله شامل اصلاح محتوای تهیه شده، کنترل داده ها، تحلیل نتایج و انجام اصلاحات داورى برابر با ۵۰ درصد.

منابع مالی/حمایتها: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

References:

- [1] Gifford, R. (2007). *Environmental psychology (Principles and practice)*. Optimal Books.
- [2] Barker, R. G. (1968). *Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior*. Stanford University Press.
- [3] Lynch, K. (1960). *The image of the city*. MIT Press.
- [4] Birch, E. (1986). The observation man. *Planning Magazine*.
- [5] Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press.
- [6] Pakzad, Jahanshah (2007). *The evolution of thought in urban planning from ideal to reality*. Tehran: New Towns Development Company of Iran. (In Persian)
- [7] Florian Urban (2011). Kenzo Tange and the Metabolist Movement. *The Journal of Architecture*, 16(4), 584-587. DOI: 10.1080/13602365.2011.598725
- [8] Rahimi, Leila (2018). Explanation and evaluation of effective factors in the desirability of urban squares: Case study of Tabriz Saat Square. *Spatial Planning*, 8(4), 67-88. DOI: 10.22108/sppl.2018.110744.1205 (In Persian)
- [9] Krier, Rob (2004). *Urban space* (Translated by Khosro Hasheminejad). Tehran: Khak Publishing. (In Persian)
- [10] Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.
- [11] Orillard, C. (2012). Gordon Cullen beyond The Architectural Review: Some new perspectives from his personal archives. *The Journal of Architecture*, 17(5), 719-731. <https://doi.org/10.1080/13602365.2012.724855>
- [12] Paknejad, Navid & Latifi, Gholamreza (2018). Explanation and evaluation of environmental components' effects on the formation of behavioral patterns in urban spaces. *Bagh-e Nazar*, 15(69). (In Persian)
- [13] Rossi, A. (1966). *The architecture of the city*. MIT Press.
- [14] Zanganeh, M., Yaghoobi, Sh., & Askari, A. (2021). Assessment of sense of place in the architecture of Tehran Bazar (case study: 15 Khordad Street). *Urban Design Discourse*, Volume II, Number 4, Winter. (In Persian)
- [15] Benedikt, M. L. (1979). To take hold of space: Isovists and isovist fields. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 6(1), 47-65. <https://doi.org/10.1068/b060047>
- [16] Hillier, B., Leaman, A., Stansall, P., & Bedford, M. (1976). Space syntax. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 3, 147-185. <https://doi.org/10.1068/b030147>
- [17] Gehl, J. (1987). *Life between buildings: Using public space* (J. Koch, Trans.). Van Nostrand Reinhold. (Original work published 1987)
- [18] Lang, John (2002). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design* (Translated by Alireza Einifar). Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- [19] Bahrami, Bakhtyar & Garaei, Fariba (2016). Behavioral mapping for evaluating the responsiveness of urban spaces: Case study of leisure space along Zaribar Lake, Marivan County. *Urban Studies Quarterly*. (In Persian)
- [20] Naebieh, E. & Jahanbakhsh, H. (2025). Investigating preferences for using color elements in urban landscapes with an emphasis on environmental psychology and mental health (Case study of Hakim and Negin neighborhoods in Isfahan). *Urban Design Discourse*, 6(4): 1-18. DOI: doi.org/10.48311/udd.2025.112484.0
- [21] Hauge, Å. (2007). Identity and place: A critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*, 50, 44-51. DOI: 10.3763/asre.2007.5007.
- [22] Friedmann, J., & Hudson, B. (1974). Knowledge and action: A guide to planning theory. *Journal of the American Institute of Planners*, 40(1), 2-16. <https://doi.org/10.1080/01944367408977285>
- [23] Restrepo-Montoya, A. (2024). Medellín: Urban planning as an instrument of social equity, environmental quality and sustainability. In H. Klumpner, K. E. Papanicolaou, & G. Theodore (Eds.), *Transitioning to sustainable cities and communities* (pp. 53-88).

- MDPI. <https://doi.org/10.3390/books978-3-03897-871-8>
- [24] Mondada, L., & Tekin, B. S. (2024). The intelligibility of mobile trajectories: Walking in public space. *Mobilities*, 19(6), 1076–1098. <https://doi.org/10.1080/17450101.2024.2337256>
- [25] Cano-Ciborro, V., Medina, A., Burgueño, A., González-Rodríguez, M., Díaz, D., & Zambrano, M. R. (2025). Mapping public space micro-occupations: Drone-driven predictions of spatial behaviors in Carapungo, Quito. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 52(3), 629–645. <https://doi.org/10.1177/23998083241262548>
- [26] Yang, S., Dane, G. Z., & Arentze, T. A. (2025). An agent-based model to simulate pedestrians' affective experiences and activities for evaluating urban public space design. *Cities*, 166, Article 106292. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2025.106292>
- [27] Köse Görgülü, N., & Çolpan Erkan, N. (2025). Comparative evaluation of public space activities of older individuals in terms of gender and settlement typology: Case of Sinop (Türkiye). *Megaron*, 20(1).
- [28] Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of Planning Literature*, 20(4), 335-350.
- [29] Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1).
- [31] Relph, E. (2009). A pragmatic sense of place. *Environmental and Architectural Phenomenology*, 20(3).
- [32] Altman, I., & Churchman, A. (1994). *Women and the Environment*. New York: Plenum Press.
- [33] Stedman, R. (2002). Toward a social psychology of place. *Environment and Behavior*, 34, 561-581. DOI: 10.1177/0013916502034005001.
- [34] Mohammadreza, S., Ghalambor Dezfooly, R., & Sanaee, A. (2025). Exploring the role of architecture in women's place attachment in residential complexes using grounded theory (Case study: Omid and Ekbatan residential complexes in Tehran). *Urban Design Discourse*, 6(3): 43-56. DOI: doi.org/10.48311/udd.2025.27563
- [35] Yazdgerd, F., Hanachi, P., & Talebian, M. (2021). Framework of conservation evaluation for dynamic cultural world heritage sites. *Naqshejahan*, 11(2):101-119.
- [36] Shahriari, S., Shahabian, P., & Lak, A. (2024). Qualitative study of improving the place attachment of urban spaces in Tehran using color palette. *Urban Design Discourse – A Review of Contemporary Literatures and Theories*, 4(4):14-29. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.2.6.1>
- [37] Yang, S., Dane, G. Z., & Arentze, T. A. (2024). Modeling pedestrians' activity time use choices in a virtual urban public space: The influences of the environment and affective experience. *Cities*, 154, 105399. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105399>
- [38] Najar, K., Nylander, O., & Woxnerud, W. (2024). Social space ratio: Calculating the rate of public space activities that enhance social interaction on a pedestrian street in Karlstad, Sweden. *Sustainability*, 16(19), 8658. <https://doi.org/10.3390/su16198658>
- [39] Lai, H., Lau, S. S. Y., Su, Y., & Sun, C.-Y. (2025). Aging in place attachment among older adults in Macau's high-density community spaces: A multi-dimensional empirical study. *World*, 6(3), 101. <https://doi.org/10.3390/world6030101>